

طوفان نوح

از نظر تورات و قرآن مجید

توصیفی که در کتاب تورات در چگونگی طوفان نوح شده است، از نظر علمی و عقلی قابل قبول نیست و بمنکران و مخالفان فرصت میدهد تا آنرا افسانه‌ای و غیر واقع معرفی کنند .

زیرا میدانیم که بسیاری از مطالب تورات مخدوش و از اصل الهی اش منحرف گردیده ، و صف طوفان نوح هم در این کتاب خالی از تصرفات تخیل آمیز انسانی نیست و لذا مبالغه و غیر عقلی بودن آن شگفتی ندارد . اما اگر موضوع طوفان را از زبان قرآن ، بهمان اندازه که در این کتاب بیان شده است بشنویم و راجع بان مطالعه کنیم پدیده‌ای را دریافت میکنیم که حقایق و موازین علمی آنرا تأیید میکند .

قرآن در حدود سی مرتبه بواقعه طوفان و غرق شدن قوم نوح تذکرات متفرق داده و تنها در سوره هود در ۲۴ آیه متوالی موضوع دعوت توحیدی نوح (ع) و انکار قوم او و پیش آمد طوفان و کیفیت آن تشریح شده است ، و از آیات ۱۶ تا ۲۰ این سوره (آیات ۴۰ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ سوره شریفه (۱) نتیجه گیریهای

(۱) - آیات مزبور باین بیان است :

آیه ۴۰ در سوره مبارکه هود: - حتی اذا جاء امرنا وفار التنور قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنين و اخلق الالهة من سبق علیه القول و هن آمن و ما آمن معهن الا لقلیل آیه ۴۲ «سوره هود» و هی تجری بهم فی موج کما اجبال و نادى نوح ابنة و كان فی معزل بابنی اربکب معنا و لا تکن مع الکافرین . بقیه پاورقی در صفحه بعد

راجع بشدت ، وسعت و عاقبت این طوفان میتوان کرد .
پیش از آنکه از مضمون این آیات در بحث راجع به چگونگی طوفان استفاد
کنیم ، بیمناسبت نیست که خلاصه‌ای از نتایج مطالعات زمین‌شناسی راجع به پیشرفت
و طغیان آبها ، در اوایل دوران کنونی زمین‌شناسی را که قطعیت علمی دارند در
اینجا متذکر شویم :

آنارمه‌هود زمین‌شناسی حاکی است که از اواسط دوران چهارم زمین -
شناسی (۱) و مخصوصاً بعد از دوره بسط و توسعه یخچالها (۲) ، طغیان و تجاوز
آبها بقاره‌ها عمومیت داشته و رسوبهای وسیعی از این پیشرفتهای آب بر روی
قسمتی از خشکیهایی که قبلاً وجود داشته اند باقیمانده است .

طغیان آبها و فراگیری خشکیها ، در اواسط دوران چهارم ، یا بواسطه ذوب یخها
(مخصوصاً در دوره‌های بین یخچالی) (۳) ، یا شکستگی قطعاتی از زمین و فرونشستن آن ، یا
فرورفتن ملایم و تدریجی قسمتی از سطح خشکیها نسبت بقسمت دیگر (۴) و یا فزونوی نزولات

← آیه ۴۳ «هود» قال سآوی الی جبل یعضنی من الماء قال لاءاصم الیوم من امر الله الا
من رحم و حال بینهما الموج فکان من المغربین .
آیه ۴۴ «هود» وقیل یا ارض ابلعی ماء ک و یا سما اقلعی و غیض الماء و قضی الامر و استوت
علی الجودی و قیل بعداً للقوم الظالمین .

(۱) دوران چهارم یا دوران کنونی کوتاهترین دوره‌ی زمین‌شناسی است که قریب یکمیلیون
سال از ابتدای آن میگذرد و پیدایش انسان را از اوایل این دوران میدانند .
(۲) دوره‌ای از اوایل دوران چهارم که بواسطه برودت زیاد یخچالهای قطبی و یخچالهای
ارتفاعات ، توسعه زیادتر از امروز داشتند و مخصوصاً قسمت عمومی از نیمکره شمالی سطح زمین
متناوباً مستور از یخ بوده است .

(۳) در دوره یخچالی ابتدای دوران چهارم یکسرما و یخبندان ممتد و متوالی نبوده
بلکه در طول این دوره چند مرتبه تغییر جوی حاصل شده و متناوباً ذوب یخها و عقب نشینی یخچالها
موجب طغیان آبها و فرو گذاشتن آبرفتهای یخچالی در محلهای مربوط مثل اروپا و امریکای
شمالی و دامنه ارتفاعات گردیده است و از این جهت ابتدای دوران چهارم را بچند دوره یخچالی
و بین یخچالی تقسیم میکنند .

(۴) - فرونشستن و برجستگی تدریجی قسمتی از قشر جامد و بنا بر این سطح زمین یکی
از پدیده‌های مستمری است که بنا بر اصل وقاعده «برقراری تعادل یا Isostue» پیوسته بین
قشر جامد زمین و مواد گداخته زیر آن برقرار است و با تغییر سنگینی هر قطعه از قشر جامد نسبت
بقطعات مجاور اختلاف سطح پیدا میکند .

آسمانی بواسطه تغییرات جوی بوده و از این راههاست که قسمتی از خشکیها و یا کناره بعضی از دریاها و دامنه ارتفاعات و یا اطراف بستر رودها بوسیله آب مستور شده و رسوبهایی از آن بر جای مانده است .

وسعت خشکیهای زمین در ابتدای دوران چهارم بیش از امروز بوده است ، پیشروی آبها که بملل مذکور ، در طول این دوران صورت گرفت ، موجب شد که نقاطی از قاره‌ها بزیر آب رود و یا حاشیه کم و بیش عرضی از اطراف خشکیها که ارتفاع بیشتر داشته‌اند ، بشکل جزیره‌ها ، شبه جزیره‌ها و مجمع الجزایر از خشکیهای بزرگ جدا شوند ، و وضع جغرافیائی زمین تدریجاً بشکل امروز درآید .

جدا شدن کامل قاره افریقا از جنوب اروپا و شکل امروزی شبه جزیره ایتالیا و جزیره سیسیل و برقراری مدیترانه شرقی و مجزا شدن جزایر انگلیس از بقیه خشکی اروپا و جدائی جزایر سیبری جدید از شمال آسیا و جزایر ژاپن از مشرق و بعضی از جزایر اندونزی از جنوب شرقی این قاره ، از جمله تغییراتی است که بعلتهای ذکر شده در طی دوران چهارم انجام شده است .

شاید با همین توضیح مختصر که راجع بتغییرات جغرافیائی سطح زمین از ابتدای دوران چهارم داده شد بتوان دریافت نمود که ارتفاعات و محللهای برجسته تر سطح زمین ، در پیشرفته ترین آبهای این دوران نیز از آب خارج بوده و بهمین جهت است که از طبقات رسوبی «آبرفتی» (۱) جدید بر فراز بلندیهای زیاد مثل ارتفاعات البرز و بالای کوههای غربی ایران و مرتفعات سایر نقاط زمین ، اثری یافته نمیشود و حتی بعضی از رسوبهای سیلابی و آبرفتی که از اوایل دوران ، در پای دامنه ارتفاعات گذاشته شده از اواسط دوران از آب خارج گردیده و برجسته شده‌اند و از همین قبیل است تپه‌های شمال و شمال شرقی تهران از یوسف آباد تا قلهک و شمال نارمک و تاسرخ حصار و هزاردره «چاچرود» که همه از قنوه سنگها و ریکها ورستهای دره سیلابی تشکیل شده و در اوایل دوره ماقبل بشر و یا پیش از آن بالا آمده و طبقات این رسوبها بشکل مورب و غیرافقی ، بوضعی که امروز مشاهده میشوند ، درآمده است .

طوفان نوح در بیان قرآن

در قرآن از طوفان نوح و طغیان آبی که محل مسکونی قوم او را فرا گرفت ، به بیان مختلف یاد شده است و چنانکه گفتیم در سوره هود چگونگی حادثه را بیشتر توضیح فرموده است

(۱) - طبقات افقی و یا کم شیب از شن و ریکه و قنوه سنگهای صاف و گرد شده که بواسطه آبهای جاری بر سطح زمین گذاشته شده و میشوند مثل زمین تهران ، قزوین - کاشان - یزد قم و اغلب شهرها و آبادیهای ایران .

در بیان قرآن راجع بطوفان نوح مطلقاً مطلب غیر طبیعی و غیر علمی مشاهده نمیشود و از این جهت بامندرجات تورات فرق نمایان دارد . نکات اساسی که از آیات سوره شریفه هود راجع بچگونگی طوفان دریافت میکنیم از اینقرار است :

۱- طغیان آب در طوفان نوح تنها با ازدیاد آبهای آسمانی ، بنحوی که در کتاب «سرگرمیهای ریاضی» ، (در ردمندرجات مربوط در کتاب مقدس) ، نقل شده است نمیشود . (۱) جمله «فاراننور» که در آیه ۴۰ از سوره هود مذکور است ، جهش آب از زمین را میرساند :

فعل «فار» بمعنوم جهش و پرتاب تا ارتفاع معین است و کلمه مشخص «النور» حفره راست و نسبتاً وسیع و دهانه باز و تقریباً استوانه‌ای شکل و یانیم مخروطی را میرساند و از جمله «فاراننور» فوران شدید آب نظیر «آب فشان» هائی که امروز در بعضی از نقاط زمین وجود دارند و یاد ر مواقع معین ظاهر میگرددند ، فهمیده میشود .

آبهای زیرزمینی و آبهای موجود در ترکیب سنگها ، تحت تأثیر گرما و فشارهای زیاد درون زمین تغییراتی پیدا میکنند و فعل و انفعالهائی دارند و از جمله ، در محلهای مساعد ، باشدت از زمین خارج میشوند .

اینکه در آیه شریفه از اسامی خاصی که در عربی بچشمه‌های طبیعی و یا مصنوعی اطلاق میشود ذکر نشده و کلمه «تنور» را با فعل «فار» بیان فرموده است قابل دقت و توجه است و قاعدتاً خروج آبها بوضع چشمه‌های عادی و لوبیزرگترین آنها نبوده بلکه باید جهش آب زیاد و تحت فشاری را برای این بیان ، در نظر داشت .

خروج آب زیرزمینی در پدیده غیر عادی طوفان نوح را از آیه ۴۴ سوره هود نیز استفاده میکنیم .

(۱) - در باب هفتم از سفر پیدایش تورات ، در شرح و تاریخ طوفان نوح این جمله فارسی «جمیع چشمه‌های لجه‌عظیم شکافته شد» خوانده میشود . با آنکه از این جمله مدلول چشمه‌هائی که از زمین خارج میشوند ، صحیحاً دریافت نمیشود معذالک از یاد مفهوم خاص چشمه که در این جمله ذکر شده است نمیتوان انصراف داشت . اما در کتاب «سرگرمیهای ریاضی» طغیان آب در طوفان نوح را یکسره از نزولات آسمانی گفته و چنانکه در فصل آخر این یادداشت شرح بیشتر داده خواهد شد با حسابهای ریاضی که بر مبنای فرضیات غیر واقع کرده‌اند آن حادثه را افسانه‌ای گفته‌اند !

بنابجمله ... یا ارض ابلعی ماءك .. که در آیه ۴۴ مذکور است ، تقدیر الهی بر این جاری شد که زمین آب متعلق بخود را فرورد . این همان آبی است که در زمین ذخیره و یا جزء ترکیب سنگهای آن بوده و هنگام طوفان خارج گردیده و اینک بامر خداوند فرو برده میشود و در جای سابق خود قرار میگیرد ...

۲- در طوفان نوح ، پیشرفت آبها و فراگیری خشکیها ، فقط در حدود دشت و پائین دامنه کوه بوده و هرگز قله ارتفاعات و بلندی برجستگیها را فرا نگرفته است و این امر را از گفتگویی که میان نوح (ع) و پسرش صورت گرفت و در آیات منعکس است میتوان فهمید :
به بیان آیات ۴۲ و ۴۳ از سوره هود (بمثن این آیات رجوع شود) ، در موقع توسعه طوفان و بسط طغیان ، نوح در حالی که با همراهان بر کشتی خود سوار بود ، فرزند را ندانید که باوی بکشتی در آید ولی پسر ابامیکند و میگوید ، بکوه پناه میبرم و کوه مرا از آب حفظ میکند ، و در حین این مکالمه موج پسر را میباید و از جمله غرق شدگانش میسازد .

از این بیان معلوم میشود در لحظه قبل از غوطه وری فرزند نوح که قاعدتاً موقع توسعه طغیان بوده ، کوه مجاور از آب خارج بوده که فرزند امید پناه با نجا را داشته است . ممکن است ادعا شود که بعد از غرق شدن فرزند نوح باز طغیان و طوفان ادامه پیدا کرده بعدی که تمام کوه مجاور و حتی ارتفاعات بلندتر را احاطه نموده است . در پاسخ باید گفت ، با آنکه چنین تصریح و یا تلویح در آیات قرآنی وجود ندارد و جمله «... وکان من المفرقین ..» غوطه وری تمام محیط زندگی قوم نوح را میسرساند معذالك بنص «... واستوت علی الجودی ..» که خاتمه طوفان و استقرار کشتی بر خشکی و یا برجستگی مساعدی را میفهماند ، کوههای مجاور در منتهای توسعه طغیان از آب خارج بوده است . اگر باز ایراد شود که «جودی» اولین محلی بوده که با فروکش و پائین رفتن سطح آب نمایان شده ، و کشتی بر آن مستقر گردیده است باز در جواب باید متذکر شد که در محل اشغال آبهای ساکن رسوبهای کم و بیش ضخیم از ریک و شن و گل ولای فرو می نشیند . چنین محلها تا مدتی برای لنگر و توقف کشتی هر چند که کوچک باشد ، مساعد نیست و نیز تا مدتها آماده برای کشت و زرع و تأمین روزی و سکنای افراد متعددی که باید از کشتی خارج شوند و زندگی را در محیط تازه شروع نمایند نمیباشد .

۳- در قرآن هیچ تصریح و توضیحی بر اینکه از تمامی موجودات زنده روی زمین يك جفت در کشتی نوح قرار گرفته باشند نیست : نرماده بودن ، صفت طبیعی مخصوص کلیه موجودات زنده یعنی حیوانات و گیاهان است .

اگر تعبیر جمله «... من کل زوجین اثنین...» از آیه ۴۰ در سوره شریفه هود را مانند نوشته تورات، شامل جمیع جفت داران بدانند لازم می‌آید که سر نشینان کشتی نوح را از تمامی موجودات زنده بدانیم و چنین امر، با هر وسعتی که برای کشتی نوح متصور باشد، نه عقلاً ممکن است و نه از نظر علمی الزام و امکانی دارد، زیرا اکثریت تامه موجودات زنده دریائی هستند و در آب زندگی میکنند و احتیاجی برای حفظ نسل آنها، بفرصت عالمگیر بودن طوفان و محاط بودن تمام سطح زمین در آب، نبوده است.

پس مفهوم جمله منظور از آیه ۴۰، بالاتر دید ناظر با اجتماع تمامی موجودات زنده در کشتی نوح، آنطور که تورات مخدوش تصریح بآن دارد نمی‌باشد.

انواع بی‌شمار موجودات بری، با آنکه جزء کوچکتری نسبت به حیوانات بحری هستند، نه در دسترس نوح (ع) بوده‌اند و نه امکان حمل دسته‌جمعی آنها بواسطه ناسازگاری محیط زندگی آنها نسبت بهم بوده است مضافاً با آنکه بر طبق توضیحات فوق، در طغیان آبی که بهنگام طوفان صورت گرفت، همه خشکیهای زمین غوطه‌ور در آب نشده بودند تا احتیاجی بحمل نمونه‌ای از جمیع موجودات زنده بری در کشتی نوح، برای نجات نسل آنها باشد.

از تنوین کلمه «کل» و مختصات نحوی جمله «من کل زوجین اثنین...» نیز دریافت میشود که زوجهای منتخب در کشتی نوح، از حیوانات بری ما نوس و ملازم زندگی انسان و بقول مرحوم ملافتح‌الله کاشانی در تفسیر «خلاصة المنهج» «از هر نر و ماده‌ای که نفعی از ایشان متصور باشد» خارج نبوده است.

اما مسئله طوفان نوح در بیان کتاب مقدس

و استدلالها و نوشته‌های مخالفان و منکران.

دریافتی را که با اطلاع فعلی خود در کلمات قرآن و شواهد علمی راجع بچگونگی طوفان نوح و اثر آن داریم و در بالا درباره آن اشاره شده است ما را مطمئن می‌سازد که حادثه مزبور با آنکه غیر عادی بوده ولی از جمله همان پدیده‌های طبیعی است که مستمراً و یا بطور اتفاق بر سطح زمین تأثیراتی دارند و بیان قرآن در این موضوع هرگز مغایرتی با اصول قطعی علمی ندارد و شواهد زمین شناسی هم جز در تأیید آن نمی‌باشد.

اما آنچه در تورات راجع بحادثه طوفان نوح نوشته شده، چنانکه اهل بصیرت و تحقیق میدانند، گفتار خالص الهی نیست تا خالی از خلل باشد و چنانکه در مقدمه این مقاله نیز گفته شد چون مندرجات تورات با تخیلات و تصرفات افراد، آلوده و مغشوش شده است، اعتباری بر آن مترتب نمی‌باشد و آن‌انکه باین گفته‌ها استناد میکنند و استدلالهای تخطئه‌آمیز

مینمایند، نظری جزئیست ساختن مبانی اعتقادی و معنوی مردم ندارند مضافاً بآنکه بی‌اطلاعی آنان نسبت به بیان قرآن نیز معلوم بوده و با اقلاد در تبلیغ نیت فساد انگیز خود، ناآشنائی بگفته‌های قرآن را مصلحت خویش میدانند!

یکی از کتابهایی که در این زمینه اخیراً نوشته شده و در آن با فرضیات و محاسبات غیر واقع، مسئله طوفان نوح را افسانه‌ای معرفی کرده است کتاب «سرگرمیهای ریاضی» میباشد که بفارسی نیز ترجمه شده است.

یکی از نویسندگان معتقد و علاقمند که از نوشته‌های بناحق این کتاب ناراحت بوده اند قسمتی از مندرجات آنرا به مجله مکتب اسلام فرستاده و خواستار جواب متناسبی برای جلوگیری از گمراهی دیگران شده بودند و دفتر مجله پاسخ آنرا به‌همه نگارنده محول داشته‌اند و لذا باستحضار میرسند:

پاسخ بمندرجات کتاب «سرگرمیهای ریاضی» راجع بطوفان نوح، کلا و اصولاً همان است که در بحث مختصر راجع بکلمات قرآن و دریافتهای علمی زمین‌شناسی فوقاً اشاره شده است معذالک برای انطباق هر نوع ایرادی که در کتاب «سرگرمیهای ریاضی» شده با اجزاء مطالب مورد بحث ما توضیح فهرست وار ذیل را ضمیمه می‌نمائیم:

۱- طغیان آب در طوفان نوح منحصر امر بوط به نزولات جوی نبوده و بنا بر این محاسباتی که در کتاب «سرگرمیهای ریاضی» باستناد نوشته کتاب مقدس راجع بمقدار رطوبت جو زمین و تقطیر آن و مقدار آب اقیانوسها شده است پایه‌ای ندارد.

۲- طغیان آب در طوفان نوح از جمله تجاوز و توسعه آبهای جاری بر سطح زمین بوده که دشت و دامنه را فرا گرفته و هرگز به برجستگیهای بلند و نقاط مرتفع نرسیده است بنا بر این تمام حسابهایی که بنا بگفته تورات در کتاب «سرگرمیهای ریاضی» راجع بمحاط شدن تمام سطح زمین حتی قله اورست هیمالیا بزیر آب گردیده تخیل و تصویری بیش نمیشد.

۳- وقتی تمام سطح زمین محاط در آب نباشد بلاشک ادامه و ارتباط زندگی موجودات بری هم منقطع و متوقف نمیشود و بنا بر این احتیاجی بحمل یک جفت از تمامی حیوانات بری، برای نجات نسل آنها نخواهد بود و محاسباتی که درباره انتقال اقلاد ۳۵۰ نوع از پستانداران در یک کشتی و تأمین غذای آنها و افسانه‌ای بودن کشتی که بتواند این مقدار از محمولات را با خود ببرد شده است اساسی ندارد.

مضافاً بآنکه قسمت عمده از حیات حیوانی در آنها است و بفرض محال که طغیان آب در طوفان نوح، فراگیر تمام سطح زمین بوده باشد موجبی برای انهدام حیوانات بحری نبوده و بنا بر این گفته تورات راجع باینکه در طوفان نوح «... همه موجوداتی که در تمام سطح زمین بودند نابود شدند و فقط نوح و آنچه با او در کشتی بود باقی ماند...» گفته ناصحیح است و توضیحات و محاسباتی که باستناد باین گفته در کتاب «سرگرمیهای ریاضی» شده است بنیانی ندارد.